



هادی حسینی نژاد

روزنامه نگار

آمار کتابخوانی و مطالعه، همچنان یکی از مبهم ترین آمارهای در کشور ماست. نتایج تازه ترین نظرسنجی «فرهنگ کتابخوانی در ایران» که توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شده، حکایت از وضعیتی نگران کننده دارد: مطالعه آزاد (غیردرسی) در میان کل جمعیت ایرانیان تنها ۱۰.۹ دقیقه در روز برآورد شده است. اوج نگرانی آنجایی به چشم می آید که مطابق بااین گزارش، درصد افرادی که حداقل کتاب می خوانند، اهل مطالعه اند- حدود۴۱.۱ درصد است، یعنی بیش از نیمی از جمعیت اظهار کرده اند که کتاب نمی خوانند! اصلا البته پیش از پرداختن به داده های این نظرسنجی، نفس تفاوت، تقابیر و ناهمخوانی های آماری در ارائه سرانه مطالعه از سوی نهاد ها و مقامات مختلف است که دوره های مختلف نیز سابقه داشته است. در این رابطه، آمارهای اعلام شده در ایران تا حد زیادی متنوع اند: از ۱۰.۹ دقیقه تا داعای ۲۲ دقیقه مطالعه روزانه توسط وزیر ارشد، یا آمار ۲۲:۱۶ دقیقه ای مرکز آمار. این تفاوت هاشان دهنده نبود تعریف واحد، یا روش شناسی ثابت در سنجش مطالعه است؛ موضوعی که تحلیلگران فرهنگی آن رایک چالش اساسی می دانند. در واقع معلوم نیست وقتی توافق نظری در این زمینه بین دوایز و نهادهای مختلف وجود ندارد، چطور می توان به درک روشنی از وضعیت رسید و برای ارتقاء شرایط، برنامه ریزی کرد.

در ادامه اما بحث را با همان نتایج پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات از پی می گیریم. بااین اوصاف برای درک بهتر وضعیت ایران، مقایسه با برخی کشورها مهم است. مثلا در آلمان، متوسط زمان مطالعه روزانه (کتاب، نشریه، کتاب الکترونیک و غیره) حدود ۲۷ دقیقه در روز است. در ایالات متحده، طبق داده های اخیر، بزرگسالان روزانه حدود ۱۸ دقیقه به مطالعه اختصاص می دهند (در تعطیلات و آخر هفته متفاوت است). اگرچه برخی کشورهای اروپایی نیز آمار پایین مطالعه روزانه دارند، اما باز مطالعه در کشورهایی مثل آلمان یا ایالات متحده به لحاظ تنوع رسانه های خواندنی (کتاب، مجله، دیجیتال بسیار گسترده تر است. بنابراین متوسط مطالعه ایرانیان (۱۰.۹ دقیقه) نشان دهنده فاصله معناداری با کشورهای توسعه یافته است، اگر داده مرکز آمار (۱۶ دقیقه) را ملاک قرار دهیم نیز این شکاف وجود دارد.

بررسی آمار مطالعه در برخی کشورهای آسیایی نیز حائز توجه است. وزارت فرهنگ تایلند در پیمایش ملی خود سرانه مطالعه روزانه را ۲۵ تا ۳۵ دقیقه اعلام کرده و آمار رسمی چین مطالعه روزانه را حدود ۲۵ تا ۳۰ دقیقه نشان می دهد. همچنین داده های ملی فیلیپین هم چیزی نزدیک به ۲۰ تا ۲۵ دقیقه در روز را تایید کرده است. حالا شاید بتوان نگاه درست تری به آمار ۱۰.۹ دقیقه ای مطالعه روزانه ایرانیان داشت!

بر اساس گزارش ها و اظهار نظرات به ثبت رسیده، «کتاب خوانی» در ایران با موانعی همچون کمبود وقت، دسترسی محدود، هزینه کتاب و اولویت بندی مطالعه دینی یا درسی روبه روست. همچنین فعالیت نهاد هایی مثل کتابخانه های عمومی و اجرای برنامه های حمایتی همچنان نتوانسته اند مشکلات و موانع اصلی این مسیر را رفع کنند. این در شرایطی است که مطالعه به عنوان شاخصی از توسعه فرهنگی تلقی می شود و سرانه مطالعه پایین می تواند پیامد هایی برای توسعه پایدار، خلاقیت و سرمایه انسانی داشته باشد. مسیری که در بسیاری از کشورهای پیشرفته، توسعه کتابخانه ها، فضای مطالعه دیجیتال و ترکیب رسانه های چاپی و دیجیتال بخشی از استراتژی عمومی برای ترویج مطالعه است. برای رفع این موانع، راهکارها و تجربیات مشخصی در جهان وجود دارد اما به نظر می رسد مسئولان فرهنگی کشورمان در مرحله نخست، باید فکری به حال تقویت آمار دقیق و منسجم کنند. با توجه به تناقض آمارها، ضروری است که یک نهاد مستقل و علمی، پیمایش ملی منظم و با روش شناسی شفاف از مطالعه مردم (چاپی، دیجیتال، تفننی) انجام دهد. پشتیبانی از زیر ساخت مطالعه در گام بعدی اقدامات است. گسترش کتابخانه های عمومی، فضای مطالعه در محله، حمایت از نشر ارزان تر و کتاب های دیجیتال ارزان تر می تواند به افزایش دسترسی و انگیزه مطالعه کمک کند.

راهکارهای دیگری چون آموزش مهارت های مطالعه، موضوعی است که کمتر به آن توجه شده. ترویج فرهنگ «مطالعه برای تفکر» در مدارس و دانشگاه ها، به جای صرفا خواندن درسی، اهمیت دارد. برنامه های آموزشی باید تمرکز بر مهارت های فهم، خواندن عمیق و تحلیل داشته باشند. از طرفی همکاری منطقه ای و بین المللی، تبادل تجربه با کشورهای منطقه (همسایگان) و کشورهای پیشرفته در زمینه برنامه های کتابخوانی و کمپین های ترویجی می تواند موثر باشد. در پایان باید گفت، آمار منتشر شده از مطالعه ایرانیان، هرچند ناراحت کننده است، اما فرصتی نیز به ما می دهد تا وضعیت را بازبینی کنیم و سیاست گذاری فرهنگی را تقویت کنیم. اگر بتوانیم شکاف میان وضعیت فعلی و آنچه در بسیاری از کشورها به عنوان عادت مطالعه عادی است را پر کنیم، می توانیم به رشد فرهنگی، آموزشی و اجتماعی پایدارتری دست یابیم.